



کودکان خیابانی چالش‌ها و راهکارها

محمد طاهری، کارشناس امور پیشگیری اداره بهزیستی شهرستان کازرون و آسیه هاشمی همیار سلامت روان ترنم نسیم زندگی

مقدمه:

یکی از آسیب‌های جدی که جوامع درحال توسعه ازجمله جامعه ایران را تهدید می‌کند، گسترش روزافزون کودکان خیابانی است که به دلیل گوناگون بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند و عمدتاً از طریق تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی و... امرارعا می‌کنند. ویژگی عمده کودکان خیابانی این است که احساس امنیتی را که به‌طور طبیعی، خانواده در طی مراقبت، تغذیه، آموزش و بازی با کودکان فراهم می‌کند به دست نمی‌آورند، در نتیجه اصول اخلاقی حاکم بر جامعه و روابط موجود در آن از سوی افراد فوق مردود شناخته شده و اکثراً نیز تمایل به رفتارهای مجرمانه، خود تخریب‌گرایانه همچون مصرف مواد، بی‌بندوباری‌های جنسی و نظایر آن دارند. این گروه از کودکان نسبت به خرده‌فروشی گروهی خود شدیداً پایبند بوده و از انسجام گروهی بالایی برخوردارند، باین‌حال در مراقبت از خود سهل‌انگار بوده و حس هویت آن‌ها باعث بیگانگی هر چه بیشترشان از جامعه می‌شود. شرایط زندگی این گروه از کودکان به‌ویژه در سنین اولیه به‌گونه‌ای است که امکان همنوایی با جامعه و هرگونه ساختاری را مشکل می‌سازد و در نتیجه به دلیل پرورش در چنین وضعیتی، اثرات عمیقی بر ابعاد جسمانی، هیجانی و عقلانی این کودکان بر جای می‌نهد که به‌ناچار تا سنین جوانی و بزرگسالی ادامه می‌یابد.

تقسیم‌بندی کودکان خیابانی

طبق قانون سامان‌دهی کودکان خیابانی ایران، فرد کمتر از ۱۸ سال تمام که به‌صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد و از سرپناه برخوردار است و یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌داند و رابطه او با خانواده به حداقل رسیده و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد، کودک خیابانی نامیده می‌شود.

بر اساس تعاریف این کودکان در ۴ گروه اصلی زیر تقسیم می‌شوند:

۱. کودکان خیابانی (street children): به کودکانی می‌گویند که در خیابان زندگی می‌کنند و بدون حمایت خانواده یا بستگان خود سعی دارند از خودشان مراقبت کنند. این کودکان آسیب‌های دشوار اجتماعی و فرهنگی دیده‌اند و نیازمند حمایت‌های خاص و ویژه هستند این دسته قربانیان شرایط دشوار زندگی مانند بهره‌کشی، تجاوز جنسی و غیره هستند.

۲. کودکان در خیابان (children on the street): این کودکان درواقع کودکان شاغل در خیابان هستند که برای کسب درآمد برای خانواده در خیابان کار می‌کنند. میزان ارتباط این کودکان با خانواده متفاوت است و ممکن است این ارتباط روزانه و یا در حد چند بار در سال باشد اما به‌رحال احساس تعلق به خانواده در این کودکان وجود دارد. اینان به حمایت و بقای خانواده خود از لحاظ اقتصادی کمک می‌کنند. اینان به‌اصطلاح نان‌آوران کوچک خانه و سپر بالای خانواده‌ی خویش می‌شوند و طعمه‌ی گرگ‌های خیابانی‌اند. گرگ‌های خیابانی که از آن‌ها در توزیع مواد مخدر و... استفاده می‌کنند.

۳. کودکان خیابان (children of the street): این کودکان گروه کوچکت‌تر از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، اما مشکلات پیچیده‌تری دارند. برای این کودکان خیابان به‌منزله خانه است و آن‌ها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را دارند. این افراد یا سرپرستی ندارند و یا در صورت داشتن خانواده، به دلیل مسائل مختلف، زندگی در خیابان برایشان امن‌تر از زندگی در خانه است.

۴. کودکان در معرض خطر (children at risk): این تعریف گروه عظیمی از کودکان را شامل می‌شود که در نتیجه نحوه زندگی شان در معرض خطر هستند را در برمی‌گیرد. این کودکان با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند و در محیط‌های آسیب‌زا یا مشغول به

کار هستند یا زندگی می‌کنند در معرض بیماری‌های ویروسی ازجمله هیپاتیت و ایدز، بهره‌کشی، تجاوز جنسی، اعتیاد و... قرار دارند اکثراً یا تحصیلاتی ندارند یا در مقاطع پایین رها کرده‌اند، تعلق خاطری به جامعه احساس نمی‌کنند.

طبقه‌بندی کودکان خیابانی از حیث نوع زندگی خیابانی:

۱. کاسیان خیابانی: این گروه به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱-۱ شاغل در مراکز خدماتی (پادویی)

۱-۲ دست‌فروشان

۱-۳ دوره‌گردها

۱-۴ واکسی‌ها

۲. گروه ولگردها

۳. گروه تلکه گیران

۴. بزهکاران: این گروه به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۴-۱ حضور در گروه‌های بزهکاری سارقان اعم از شب‌روها، جیب‌برها، خانه روها، دخل‌زن‌ها، کیف‌قاپ‌ها و غیره.

۴-۲ حضور در گروه‌های بزهکاری توزیع‌کننده مواد مخدر که بیش از ۶۰ درصد این گروه حین فعالیت به مصرف مواد نیز آلوده می‌شوند.

۴-۳ حضور در گروه‌های ضد اخلاقی که در تعمیم و اشاعه‌ی فحشاء و سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان فعالیت دارند.

۴-۴ حضور در باندهای حمل و جابه‌جایی مواد مخدر که معمولاً به‌عنوان طعمه و انباری (جاسازی جنسی) در بدن کودک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۵ حضور در باندهای سوءاستفاده‌کننده‌ی سودجو و فرصت‌طلب که معمولاً این باندها همه نوع سوءاستفاده از کودکان را به عمل می‌آورند.

۵. متکدیان، شامل:

باب تک‌صدایی را ببندیم!

نقد حذف سپنتا نیکام از شورای شهر یزد

دکتر نوبهار: شورای نگهبان درباره اقدامات خود به عموم گزارش دهد

گزینه از: محمد رحبی



یا دانشگاهی یا کارشناس به بُعدی از ابعاد مسئله اشاره کند که مورد توجه اعضای شورای نگهبان قرار نگرفته است.

در یکی از سخنرانی‌های مرحوم استاد محمدتقی جعفری که از رادیوپخش می‌شد شنیدم که ایشان می‌گفت: راجع به حقوق حیوانات تحقیقاتی در قفه انجام دادم و نتایج آن را خدمت یکی از بزرگان قفه بردم، مرحوم استاد جعفری آن‌قدر از آن فردی که تحقیقات را نزد او برده بودند با بزرگی یاد می‌کرد که من گمان بردم منظور ایشان، آیت‌الله‌العظمی بروجردی است.

استاد جعفری گفتند: وقتی این تحقیقات را نزد ایشان بردم بسیار خوشحال شدند و گفتند که من تاکنون ندیده بودم و نسبت به این مسئله توجه نکرده بودم؛ وسعت و ژرفای قفه و ظرافت مباحث فقهی به‌گونه‌ای نیست که کسی بتواند ادعا کند به همه ابعاد آن اشراف پیدا کرده است.

باید باب تک‌صدایی را ببندیم و به سمت گفت‌وگو برویم

باید باب تک‌صدایی را ببندیم و به سمت گفت‌وگو برویم. این‌طور نیست که وظیفه شورای نگهبان این باشد که فقط بگوید این مسئله خلاف شرع است و توضیح دیگری به مجلس و جامعه ندهد. همان‌طور که در مقاله‌ای با عنوان «جلیل‌گفتمان شورای نگهبان قانون اساسی» نوشته‌ام در جریان تدوین قانون آیین دادرسی کیفری مشاهده می‌شود که شورای محترم نگهبان در مقام اظهارنظر نسبت به بعضی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً مجلس محترم را به مسئله یا مسائلی از تحریر وسیله ارجاع می‌دهد؛ بدون اینکه توضیح دهد مشکل مسئله چیست.

در فرایند تصویب قانون مجازات اسلامی هم همین رویکرد و نگاه به چشم می‌خورد. گاه این رویکرد چنین تداعی می‌کند که

شورای نگهبان با مجلس مانند یک دانش‌آموز ابتدایی رفتار می‌کند

شورای نگهبان با مجلس مانند یک دانش‌آموز ابتدایی رفتار می‌کند که صرفاً او را به کتابی ارجاع می‌دهد. ارجاع به مسئله تحریر وسیله رسالت شورای نگهبان نیست. شورای نگهبان باید باحوصله و دقت وجه تغایر و نامازواری را به‌وضوح بگوید. پیچیده‌گویی، عدم شفافیت و مطالب را معماوار بیان کردن هرگز گره‌گشا نیست و به نظر من انجام کامل وظیفه هم نیست. شورای نگهبان باید دلایل مغایرت را به‌تفصیل توضیح دهد تا مجلس بتواند در صورتی که نخواهد بر نظر خود اصرار کند، تجدیدنظر کند. این امر کمک می‌کند تا دیگران هم به لحاظ نظری طرح بحث کنند و ابعاد مسئله هرچه روشن‌تر شود. بسیار اتفاق می‌افتد شویم که بعدی از ابعاد قضیه دیده نشده است.

ادامه دارد...

نیست. به نظر من در جلسات شورای نگهبان باید حضور شماری از نخبگان به‌عنوان مستمع آزاد باشد. همچنان که ورود به جلسات مجلس با شرایط و ترتیباتی آزاد است. مردم حق دارند از تصمیمات نهادهای عمومی درباره خودشان و سرنوشتشان به‌موقع آگاه باشند. مشروح مذاکرات شورای نگهبان باید به‌صورت منظم و روزآمد بدون اینکه زمان زیادی از آن بگذرد منتشر شود و در دسترس عموم قرار بگیرد.

اگر جمهوریت را می‌پذیریم در جمهوری، عموم و مردم مهم هستند. مفهوم دولت شیشه‌ای یا دولت شفاف در جمهوری و جمهوریت مهم است. در نهاد عمومی افرادی مزایا می‌گیرند و درباره عموم تصمیم‌گیری می‌کنند. مردم حق دارند از این تصمیم‌گیری‌ها، مبنای و دلایل آن‌ها آگاه باشند و بتوانند با شرایطی از مجاری قانونی آن‌ها را نقد کنند و حتی این نقدها مورداحترام قرار بگیرد؛ حتی اگر در عمل به آن‌ها تریب اثر داده نشود. ممکن است کسی بگوید که من در این نهاد عمومی کار می‌کنم و مزایای مادی دریافت نمی‌کنم، اما این، مجوز عدم پاسخگویی و عدم شفافیت نیست. حتی اگر کسی صرفاً از سر ایثار در یک‌نهاد عمومی حضور دارد-اگر چنین فرضی وجود داشته باشد- بازهم وقتی کسی در مورد عموم تصمیم می‌گیرد عموم باید از تصمیمات او اطلاع داشته باشند.

البته انکار نمی‌کنم که گاه در مورد برخی از تصمیم‌گیری‌ها موازین شرع و اخلاق اجازه نمی‌دهد که مسئله، عمومی شود؛ اما وقتی که در مورد مغایرت یک امر با شرع صحبت می‌شود، عموم، شامل نخبگان حوزوی و دانشگاهی و متخصصان مربوط باید از مبنای و دلایل تفصیلی مغایرت آن امر با شرع اطلاع داشته باشند. نه برای این که به گفته یکی از متن‌های موجود در سایت شورای نگهبان صرفاً برای آموزش جامعه بلکه برای گشودن باب نقد و نقاد.

همان‌طور که مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند و در پایگاه اینترنتی شورای نگهبان هم آمده است شورای نگهبان باید آرا و نظریاتش مشخص باشد. البته مقام رهبری از لزوم داشتن سخن‌گفته‌اند؛ اما پیشنهاد من از اطلاع‌رسانی به‌موقع به عموم و مسئولیت و پاسخگویی قهرآمیز و عمومی است.

در دوران گذشته در قفه هزاروچند صدساله ما هم در آداب افتا و هم در آداب قضا آمده است که: وقتی قاضی رأی می‌دهد یا مفتی فتوا می‌دهد، جا دارد فتوا و رأی خود را بر جمعی از اهل قفل و دانش عرضه کند تا اگر قاضی، مفتی یا مجتهد اشتباهی دارد او را متنبه کنند؛ چون هیچ‌کدام در مقام عصمت نیستند. من تعجب می‌کنم گاه برخی‌وردهای قهرآمیز و صحبت‌هایی می‌شود که گویی تمام زمام امر به دست یک عده است و دیگران نباید حرف بزنند و خاموش یا صرفاً مؤید باشند. همان‌طور که گفتیم این که نهادی مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی یا عادی است مجوز این نیست که با دیدگاه‌های انتقادی برخورد نامناسب شود یا حتی احترام گذاشته نشود.

نباید با ادبیاتی صحبت کنند که گویی اظهارنظر مخالف شورای نگهبان، خلاف شرع است

هر کسی از جمله فقها و حقوقدانان شورای نگهبان می‌تواند نظر خودشان را بگوید. بله در باب عمل و اجرا نمی‌توانیم بر مبنای نظر نهادهای غیررسمی عمل کنیم؛ منتها خود نهاد رسمی یا دیگر نهادهای متناهی نباید مانع شوند یا با ادبیاتی صحبت کنند که گویی اظهارنظر مخالف شورای نگهبان، خلاف شرع است بلکه آن‌ها باید برای شنیدن نظر دیگران زمینه‌سازی کنند. چه شکالی دارد که جمعی از فضلاء حوزوی و دانشگاهی و کارشناسان مربوط امکان داشته باشند که به‌عنوان حاضر و مستمع، مذاکرات شورای نگهبان را بشنوند.

دلیل خاصی برای این که چنین نیست وجود دارد؟

من نمی‌دانم چرا این اتفاق نمی‌افتد. شما و امثال شما باید در این مورد از اعضا و دبیر محترم شورای نگهبان بپرسید. به‌رحال وقتی که شورای نگهبان راجع به مسئله‌ای اظهارنظر کند دیگران باید مبنای و دلایل آن در اختیار مردم باشد تا بتوانند آن را نقد کنند. شاید یک فرد فاضل حوزوی

و تعامل، متن می‌تواند معنای مناسب‌تری را به ما نشان دهد. این‌یک امر عام است که شامل متون دینی هم می‌شود. اگر در مورد تلاوت یا قرائت متون دینی فضای گفتگویی و نقادانه را فراهم کنیم، بدون شک حقیقت، بهتر چهره خودش را به ما نشان می‌دهد. به همین دلیل در تفسیر قانون اساسی یا عادی به لحاظ عملی، رأی مراجع خاصی ملاک عمل است؛ اما این به سطح عمل و اجرا مربوط می‌شود. در سطح نظر و اندیشه باید دایره مشورت درباره امری که بناست به سطح عمل و اجرا برسد تا جای امکان گسترده باشد.

البته شورای نگهبان آن‌گونه که از پایگاه اینترنتی این نهاد برمی‌آید مجمع مشورتی حقوقی و فقهی هم دارد و این بسیار خوب است. هرچند مناسب است اسامی افراد این مجمع‌ها دقیقاً ذکر شود تا عموم بدانند. مهم‌تر این که مجمع مشورتی باید به لحاظ فکری متکثر باشد. اگر من چند نفر از همفکران خود را صرفاً به‌عنوان دستیار و کارپرداز تعیین کنم و با آن‌ها صحبت کنم این مشورت نیست. مشورت یعنی طرح موضوع با جمعی که با سلیق گوناگون، موضوع را از زوایای مختلف واکاوی می‌کنند و موافق و مخالف باهم شور و رایزنی می‌کنند تا بحث پخته شود.

چرا برداشتها درباره این موضوع تا این اندازه متفاوت است؟

باید جنبه‌های قانونی مسئله را از بُعد فقهی آن جدا کنیم. یک‌وقت شورای نگهبان می‌گوید عضویت این شهروند لغو شود، این موضوع یک بحث حقوقی دارد. آیا شورای نگهبان چنین اختیاری را دارد؟ آیا شورای نگهبان یک‌نهاد اجرائی است که عضویت یک شهروند را لغو کند؟ دیدیم که در این‌باره افراد مختلف ازجمله رئیس مجلس هم نقدهایی نسبت به موضع شورای نگهبان داشتند. من شخصاً از نظر موازین حقوقی لغو عضویت کسی که طبق تشریفات قانونی انتخاب‌شده است را توسط شورای نگهبان موافق قانون نمی‌دانم. به نظر من این شأن شورای نگهبان نیست.

شورای نگهبان برای خود اختیاراتی قائل است که گاه در ذهن کمتر کسی می‌کنند

البته شورای نگهبان برای خود اختیاراتی قائل است که گاه در ذهن کمتر کسی می‌گنجد. یاد هست زمانی یکی از اعضای شورای نگهبان یادداشتی نوشته بودند در یکی از روزنامه‌ها درباره این که اگر همه مراحل نمایندگی کسی طی شود و مدتی هم در مجلس باشد بعد برای شورای نگهبان کشف شود که او فاقد شرایط است شورا می‌تواند نمایندگی او را لغو کند!

موضوعی که می‌خواهم بر آن تأکید کنم بُعد فقهی موضوع است، ما در این‌باره مشکل و نقیصه‌ای داریم که به‌نوبه خود مهم و قابل توجه است. امیدوارم شورای نگهبان و کسانی که برای جایگاه این نهاد دل می‌سوزانند به این نقیصه توجه کنند. تا جایی که من می‌دانم، بعد است مستندات فقهی شورای نگهبان به‌تفصیل در امور گوناگون به‌موقع بیان‌شده باشد یا هم‌زمان با این تصمیم بیان‌شده باشد. به گمان من این‌یک کاستی است. ما وقتی پذیرفتیم که مدل نظام حکومتی جمهوری باشد، جمهوریت اقتضائاتی دارد که باید به آن پایبند باشیم. التزام به شیء التزام به لوازم آن است. ما پذیرفتیم و با مردم عهد کردیم که مردم و جمهور در نظام جمهوری حضور و نقش دارند و رکن هستند. البته این جمهوری، اسلامی هم هست؛ اما چنین نیست که چون قید اسلامی دارد، قید اسلامیت بتواند قید جمهوریت را از میان بردارد یا آن را بی‌اثر کند و به اسم و عنوانی بی‌محتوا فرو بکاهد.

یکی از میزوها و شاخص‌های جمهوریت این است که جمهور یعنی مردم در امری که مربوط به آن‌هاست و امر عمومی است، دیده شوند.

شورای نگهبان یک‌نهاد عمومی است؛ اقدامات آن نیز عمومی است؛ اما این نهاد عمومی گزارش‌دهی به مردم ندارد

شورای نگهبان یک‌نهاد عمومی است؛ اقدامات آن نیز عمومی است؛ اما این نهاد عمومی گزارش‌دهی قابل‌توجهی به عموم و مردم ندارد. این که دیدگاه‌های آن‌ها چیست و چه استدلال‌هایی نسبت به یک مسئله دارند به‌موقع و روزآمد در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد. انکار نمی‌کنم که سخنگوی محترم و بعضی از اعضا گاه مطالبی را ابراز می‌کنند. یا پایگاه اینترنتی شورای نگهبان نظریاتی را با تأخیر اعلام می‌کند؛ اما این کافی

روحانه حیدری؛ دکتر رحیم نوبهار، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی است و از برخورد با او می‌توان فهمید که سعی دارد تا انصاف در عمل و تعادل در نگاه خود داشته باشد و با این ویژگی به بیان و اظهارنظر راجع به مسائل مختلف به‌ویژه موضوعات و مبانی اسلامی می‌پردازد؛ دانشجویان دکتر نوبهار هم نسبت به این موضوع تأکید می‌کنند. برای بررسی زوایای فقهی لغو عضویت یک اقلیت و نگاه اسلام به اقلیت‌های مذهبی به سراغ دکتر رحیم نوبهار رفتیم؛ او از واکنش شورای نگهبان و حکم لغو عضویت یک زردشتی برآشفتد است و این عملکرد را به‌مثابه شکست نظریه مردم‌سالاری دینی می‌داند.

این استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی معتقد است: باید باب تک‌صدایی را ببندیم و به سمت گفت‌وگو برویم. این‌طور نیست که وظیفه شورای نگهبان این باشد که فقط بگوید این مسئله خلاف شرع است و توضیح دیگری به مجلس و جامعه ندهد. شورای نگهبان باید باحوصله و دقت وجه تغایر و نامازواری را به‌وضوح بگوید. پیچیده‌گویی، عدم شفافیت و مطالب را لغزگون و معماوار بیان کردن هرگز گره‌گشا نیست و به نظر من انجام کامل وظیفه هم نیست. شورای نگهبان باید دلایل مغایرت را به‌تفصیل توضیح دهد تا مجلس بتواند در صورتی که نخواهد بر نظر خود اصرار کند، تجدیدنظر کند. این امر کمک می‌کند تا دیگران هم به لحاظ نظری طرح بحث کنند و ابعاد مسئله هرچه روشن‌تر شود. بسیار اتفاق می‌افتد که بعدی از ابعاد قضیه دیده نشده است.

در ادامه متن گفت‌وگوی شفقنا با دکتر رحیم نوبهار استاد دانشگاه شهید بهشتی را می‌خوانید:

موضوع سپنتا نیکام، عضو زردشتی شورای شهر یزد و اعلام نظر شورای نگهبان در این زمینه و در ادامه اختلاف موجود در رأی و نظر علما درباره عضویت یک اقلیت مذهبی در مناصب شهری، این پرسش را به دنبال دارد که: در علوم دیگر نظر به‌پرداز باید نظر جدید خود را از راه‌های شناخته‌شده به اثبات برساند، روند اثبات در نظریات فقهی چه تفاوتی دارد و تا چه اندازه متأثر از برداشت شخصی افراد است؟

نمی‌توانیم اختلاف برداشتها از متن را -چه متن مقدس و چه متن عادی- انکار کنیم. انکار اختلاف برداشتها متفاوت از متن مثل انکار بدیهیات است، درواقع ما در هر تفسیر و برداشتی از متن با سه عنصر مواجهیم: فاعل شناسا که مفسر است؛ خود متن و جهان خارج. هرقدر هم بخواهیم نقش فاعل شناسا یا مفسر را محدود کنیم برداشت در نهایت مستند به اوست. متن تا اندازه زیادی اسیر برداشت مفسر است، جز متن‌هایی که از جنس صراحت باشند و دلالت‌های بسیار روشن و غیرقابل‌تردیدی داشته باشند. متن فریاد نمی‌زند که برداشت خاصی از من داشته باشید؛ پس مسئله اختلاف‌نظر و نوع سلیقه و نگاه مفسر، پیش‌فرض‌ها و جهان‌بینی و حتی خصلت‌های اخلاقی و شخصی مفسر بر مسائل تفسیر جز مسائل بدیهی است. با یک تحقیق میدانی ساده می‌توان به این نتیجه رسید که یک متن قانونی را دو قاضی با خصلت‌ها و ویژگی‌های متفاوت، یکسان تفسیر نمی‌کنند. تجربه زیسته مفسران هم در نوع برداشت آن‌ها از متن اثرگذار است.

ما در برداشت از متون دینی هم از این مسئله جدا نیستیم؛ اما می‌شود برداشت از متن، واقع‌گرایانه‌تر، سوده‌مندتر، انسانی‌تر و مقبول‌تر باشد. البته هر یک از این واژه‌ها بار معنایی خاصی دارد که باهم متفاوت هستند. به‌رحال تکامل روش‌های تفسیری یکی از راه‌های مهم پیشرفت فقه است. رویکردها و محورهای دیگری هم وجود دارد که باید به‌تفصیل به آن‌ها پرداخت.

راه دستیابی به تفسیر مناسب‌تر ایجاد باب گفت‌وگو، تعامل و هم‌فکری درباره متن و برداشت از متن است

یک‌راه برای دستیابی به تفسیر مناسب‌تر این است که باب گفت‌وگو، تعامل و هم‌فکری درباره متن و برداشت از متن‌باز باشد. معنای این که نهادی به‌عنوان مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی یا قانون عادی شناخته می‌شود، این نیست که آن نهاد اختیاردار مطلق است و می‌تواند خود را از تجربیات دانشمندان، آراء، سلاقی و نظریات دیگران محروم کند؛ بلکه باید نظرها و سلیقه‌های مختلف را ببیند و حتی جویا شود. در جریان گفت‌وگو